

## هدف آفرینش انسان از منظر آیات

محمد تقی خاکی\*

### چکیده

انسان در لغت از ماده‌ی «انس» اشتقاق یافته است، از این رو موجودی اجتماعی است، بعضی دیگر آن را از «انس و محبت» دانسته و برخی از ماده «نسی» دانسته اند چون او موجودی فراموشکار است. متفکران مادی او را موجودی مادی و متفکران الهی او را دارای دو مرحله بدن و روح مجرد می‌دانند. اولیاء الهی برای او روح مجردی غیر آن روح قائل هستند که در مقام عنداللهی حضور دارد. روح انسانی دو بُعد دارد که خصیصه نفسانی آن، در قرآن با اوصافی از قبیل عجول، هلع، ظلم و جهول نکوهش شده است و بُعد عقلانی (فطرت الهی) با عنوان خلیفه الهی، امانت دار خدا و موجودی ابدی مورد ستایش خدا قرار گرفته است. بین انسان و خدا، رابطه وجودی برقرار است که با شعور و آگاهی انسان همراه می‌باشد. قرآن کریم به مسأله هدفداری جهان و انسان تأکید نموده و حقیقت جهان را، زمینه ساز رشد و تکامل انسان معرفی می‌نماید. خلافت و جانشینی خدا، عبادت و بندگی، تحقق رحمت و مهر الهی، تسبیح و تقدیس الهی، علم و قدرت پروردگار، سیر الی الله و معرفت الله را؛ هدف آفرینش انسان معرفی می‌نماید و در میان آنها، هدف اصلی و نهایی «عبودیت» است که سایر اهداف نیز در مسیر عبودیت قرار می‌گیرد. رحمت و اسعه الهی خداوند هم نتیجه این عبودیت است.

### واژه‌های کلیدی:

خدا، انسان، خلقت، آفرینش

---

\*. دانش پژوه سطح سه، رشته تبلیغ (گرایش حج)، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع).

## مقدمه

جهان ماده دارای نظم فوق العاده و حیرت انگیزی است که حکمت از سراپای آن می بارد و در همه جا خودنمایی می کند و شایسته درگاه پروردگار هستی نمی باشد که آفرینش اشرف مخلوقات - آدم - هدف عالی و متناسب با عظمت او نداشته باشد و بدون حکمت و فلسفه، انسان ها رابیا فریند. انسان دو جنبه حیات طبیعی و فطری دارد. آیاتی در قرآن به مدح و ستایش انسان با القاب خلیفه، دارای کرامت، واجد فطرت و موجودی ابدی و... می پردازد که انسان با پرورش بعد فطری و تکامل روحی به آنها دست می یابد. از سوی دیگر، انسان با تن پروری و افراط در بعد طبیعی به انسانی پست مبدل می شود که مورد سرزنش گروهی از آیات قرار گرفته است.

به طور کلی برخی از آیات، هدف خلقت را عبادت و بندگی و بعضی دستیابی به تکامل، بعضی نشانه علم و تجلی قدرت الهی، برخی مظهر رحمت و مهر الهی، گروهی رسیدن به لقائ پروردگار و... می دانند که در هشت دسته، قابل بحث است.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

خدا، انسان و جهان سه محور اصلی اندیشه بشری اند که در طول تاریخ محل بحث و مناظره و پرسش و پاسخ هستند. در این میان شناخت انسان و حل معماهای نهفته و جودی او حائز اهمیت ویژه ای می باشد، رشته ها و گرایش های علمی در علوم انسانی، تجربی، اجتماعی، روانشناسی، تاریخ و جغرافیا و.. هر یک به نوعی بدان پاسخ داده اند. همچنین محوری ترین مسائل ادیان مختلف، به خصوص اسلام می باشد. شناخت انسان، راه خداشناسی را هموار می کند (من عرف نفسه فقد عرف ربه).

## پیشینه تحقیق

کتاب های زیادی در این موضوع چاپ شده است. انسان شناسی آقای رجیبی، انسان بینی مادی گری و اسلام از محمد قطب، انسان کامل استاد مطهری و بیش تر کتب ایشان، تفاسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی و آیت الله مکارم و تفسیر نمونه در بخش بیان فلسفه خلقت، کتاب های نصری، قرآن و اسرار آفرینش آیت الله سبحانی، کیفیت



خلقت بشر علی محمدی زنجانی و کتابهای تفسیری آیت الله جوادی آملی و علامه طباطبائی رحمتهما که بسیار کار بردی و جالبند. شرح حدیث معراج استاد سعادت پرور، اخلاق در قرآن آیت الله مکارم و قلب سلیم شهید دستغیب نیز قابل استفاده هستند.

### روش تحقیق و گرد آوری اطلاعات

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و جمع آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

### سؤال اصلی

هدف از خلقت انسان طبق آیات قرآن چیست؟

### سوالات فرعی

۱. انسان کیست؟ و چه ارزش و مقامی دارد؟ چند بعدی است و نظر قرآن در این

مورد چیست؟

۲. آیا جهان هستی بی‌هدف و خود به خود به وجود آمده و یا خالقی آن راه‌دافمنند

و حکیمانه آفریده است؟

۳. ابتلاء و آزمایش در هدف خلقت انسان چه جایگاهی دارد؟

۴. عبادت و بندگی یعنی چه؟ و رابطه تکامل و بندگی چیست؟

۵. طبق آیات، هدف نهایی عبادت است یا تکامل بشر؟

### مفاهیم و کلیات

انسان دارای دو بعد روحانی و جسمانی است. کلمه (انسان) ۶۵ بار در قرآن به کار رفته که مراد از انسان، باطن و نهاد و استعداد و انسانیت و عواطف اوست نه جسم ظاهری او، مثل «انّ الانسان لظلومٌ کفّار»<sup>۱</sup> و «و کان الانسان عجولا»<sup>۲</sup>، انسان از جنبه‌ی جسمی ضعیف ولی از نظر جوهر انسانیت، ایمان، درک و تربیت موجود با ارزشی است، او و جن، دو موجود با ارزش روی زمین هستند که قرآن از آن دو به ثقلان (دو چیز پرقیمت) تعبیری کند<sup>۳</sup>، این معنا در قاموس قرآن آمده است.

۱. ابراهیم / ۳۴.

۲. اسراء / ۱۱.

۳. رحمن / ۳۱.

## مفاهیم

## انسان

انسان از ماده (أنس) اشتقاق یافته و به انسان، انسان گفته شده چون انسان بدون انس با دیگران نمی‌تواند زندگی کند و به این خاطر است که می‌گویند انسان فطرتاً اجتماعی است ولی بعضی قائل‌اند که انسان از انس و محبت می‌آید، در دیدگاه سوم، ماده انسان (نَسَى) است و اصل واژه‌ی انسان (انسیان بوده) که انسان موجودی فراموش کار است.<sup>۱</sup> فرهنگ عمید این چنین آورده: انسان= آدمی، مردم، بشر، أناس و آناس (جمع). در منطق، به انسان حیوان ناطق گفته می‌شود که موجودی مثل سایر حیوانات است، با این فرق که امتیاز نطق و عقل را دارا است.

در قرآن کریم، جنس و فصل انسان «حیّ متألّه» است، جنس آدمی، حی است که تفاوت آن با حیوان در بقا و عدم بقا است، روح انسان که جنبه اصلی او را تامین می‌کند زنده‌ای است مانند فرشتگان که هرگز نمی‌میرد، ولی بدن که جنبه فردی او را تشکیل می‌دهد از بین می‌رود، این ویژگی او را از ملائکه جدا می‌کند، فصل ممیز انسان در فرهنگ قرآن ناشی از متاله او یعنی خداخواهی و ذوب انسان در جریان الهیت است، بنابراین برخلاف تعبیر علم منطق، وجود آدمی در دو قلمرو عقل نظری و عملی گسترده شده و همه گرایش‌های او رو به خداست و چیزی جز حقیقت نامحدود هستی محض، یعنی ذات اقدس ربوبی جل جلاله اضطراب او را نمی‌نشانند و از هرکسی رشته امید ببرد از آفریدگار خود ناامید نمی‌گردد و در مواقع سخت زندگی از صمیم دل یارش رامی‌خواهد.<sup>۲</sup>

«الانسان من الانسان، اسم جنس يقع على الذكر والانثى والواحد الجمع اختلف في اشتقاقه مع اتفاقه على زيادة النون الاخيرة فقال الابصرى ون من الانس ووزنه فعلان والكوفيون مشتق من الانسان ووزنه افعال والاصل انسيان».<sup>۳</sup>

۱. فرهنگ الفباى الرائد، جبران مسعود، جلد اول.

۲. عبدالله جوادی آملی، حیات حقیقی انسان در قرآن، ج ۱۵، ص ۱۵.

۳. التحقيق فى كلمات القرآن الكريم ج ۱ ص ۱۵۸.



راغب اصفهانی در المفردات به علت این دو اشتقاق اشاره کرده و فرموده: الانسان قيل: سمي بذلك لانه خلق خلقه لاقوام له الا بانس بعضهم ببعض ولهذا قيل الانسان مدني الطبع من حيث لاقوام لبعضهم الا ببعض ولا يمكنه ان يقوم بجميع اسبابه وقيل سمي بذلك لانه يانس بكل ما يالفه.<sup>۱</sup>

### خلقت و آفرینش

خلقت: فطرت، هیئت، آفرینش، خلق - مصدر: آفریدن، به وجود آوردن، آفرینش. (فرهنگ عمید). خلقت و آفرینش: یک گام تکمیلی عظیم است یعنی چیزی را از عدم به وجود آوردن. فرهنگ منجدالطلاب بندرریگی این گونه دارد: خلق خَلَقَهُ خَلْقاً و خَلَقَهُ: آفریدش، به وجودش آورد (خَلَقَ الكَذِب) دروغی تراشید، خلق الشیء: آن چیز را ساخت، صافش کرد، نرمش کرد. (الخِلْقَه) فطرت، خلقت، قیافه، صورت. (خَلَقَ جمع خَلِقَه) فطرت، خلقت، آفریدن، سرشت، نهاد، طبیعت، مروت و صاف.

### عبادت

عبادت افتادگی و ذلت است و به همین جهت عبادت برای غیر خدا ناپسند است (مجمع البحرين)، عبادت به معنی بندگی کردن و پرستش کردن، پرستیدن خدا (فرهنگ عمید) است. عبادت اوج بندگی و نیاز درپیشگاه خدای تعالی و بیان خواست‌ها و تقاضای کامل از درگاهش و تقدیس ذات مقدس اوست.

بنابراین خلقت یعنی آفرینش و چیزی را از عدم به عالم وجود آوردن و عبادت به معنای اظهار خشوع عبد به معبود است که تجلی خشوع پرستش و عبودیت می‌شود. انسان یا آدمی از نظر علمای منطق، حیوان ناطق و در فرهنگ قرآن موجودی است زنده و حیران، در جستجوی کمال.

### تعریف الهی و منطقی انسان

در علوم بشری، از انسان به «حیوان ناطق» یاد می‌شود، او موجود زنده‌ای است که از حیث حیات با دیگر جانوران، مشترک و دارای عقل و منطق است، اما در فرهنگ قرآن کریم، آن قدر مشترک و فصل ممیز، تعریف کاملی نیست و با تعبیر «حیّ متاله»

۱. مفردات راغب ج ۱ ماده ان.

انسان را معرفی نموده است. جنس تعریف «حی» است که تفاوت آن با حیوان در بقاء و عدم نابودی اوست؛ یعنی روح انسان زنده‌ای است که چون فرشتگان هرگز نمی‌میرد و از مدار وجود به هیچ رو بیرون نمی‌رود، به لحاظ همین جنس، «آدمی» همتای فرشتگان است که با مرگ تن، جنس او از دست نمی‌رود و نه حتی تغییر جنسیت می‌دهد. فصل ممیزه‌ی انسان «تألّه» یعنی خدا خواهی او است که مسبوق به خداشناسی و ذوب شدن او در جریان الهیت است، بنابراین وجود آدمی در دو قلمرو عقل عملی و عقل نظری گسترده شده و همه‌ی گزارشات و گرایشات او رو به خداست و چیزی جز حقیقت نامحدود هستی یعنی ذات پروردگار اضطراب او را نمی‌نشانند.<sup>۱</sup> در واقعیت انسان اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد، از جمله اختلاف اهل حدیث و اهل تدبیر در مورد حقیقت انسان است.

### نظریه‌های گوناگون درباره ماهیت شناسی انسان

اهل حدیث که به ظواهر شریعت تقید بیش‌تری دارند و کمتر به تعمق و تدبّر می‌پردازند، می‌گویند: واقعیت انسان، همان هیكل ظاهری اوست، به اضافه اینکه دارای حس، حرکت و اراده است و از روح و نفس مجرد و رای این حس و حرکت خبری نیست. آنان انسان را حیوانی می‌شناسند که با امتیازات خاصی از او جدا شده و گوهری به نام نفس و یا روح مجرد- غیر از روح به معنای حس و ادراک- را برایش قائل نیستند. اهل تدبّر و تفکر با حفظ ظواهر قرآن، برای انسان غیر از این هیكل ظاهری، حسی و حرکت که در او مشاهده می‌شود، برایش منشأ حس و حرکتی به نام «نفس» مجرد و روحی پیراسته از ماده را قائلند که نسبت به این بدن، تعلق تدبیری دارد و به هنگام مرگ این نوع از تعلق از بین می‌رود.<sup>۲</sup>

متفکران مادی می‌گویند: اگر چیزی، ماده نداشت وجود ندارد و حقیقت انسان را در بدن مادی او خلاصه می‌کنند، ولی متفکران الهی که از ره آورد انبیاء برخوردارند، حقیقت انسان را دارای دو مرحله می‌دانند؛ یکی مرحله بدن که مرحله‌ی نازل انسان

۱. جوادی آملی عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، ج ۱۵، ص ۱۵.

۲. سبحانی، جعفر، منشور جاوید قرآن (معاد) ج ۹، ص ۱۱۰، ۱۰۹.

است و دیگری مرحله روح مجرد که مرحله عالی انسان است لذا برای انسان دو مرحله قائلند، اما اولیای الهی می‌گویند: همان طور که انسان در بدن خلاصه نمی‌شود و بالاتر از بدن، روح وجود دارد، مرتبه‌ای بالاتر از روح مجرد دارد که در مخزن الهی و در لوح و کرسی و عرش است یعنی در مقام عند الهی و لقاء الهی حضور دارد.<sup>۱</sup>

علماء و دانشمندان علم اخلاق، انسان را موجودی دو بُعدی معرفی می‌کنند که بعدی مادی و بعدی معنوی دارد، از آن‌جاکه از گِل بدبو و تیره رنگ آفریده شده است و پس از تکامل به صورت موجود «مستقیم القامه» درآمده است، بعد مادی دارد و از آن‌جا که در برخی از مراحل مختلف خلقت او، روحی از جانب خدا در کالبد او دمیده شده و به او صفا و جلاء بخشیده، بعد معنوی دارد. آن‌گاه می‌افزایند که انسان پیوسته میان این دو بعد - که هر یک برای خود جذبه و کشش خاصی دارد - در حال نوسان است. برخی اعتدال را رعایت کرده و بسیاری به یکی از دو قطب جذب می‌شوند، هر گاه گرایش او به امور مادی افزایش یابد، در درّه بدبختی سقوط کرده و پست تر و درنده تر از حیوان می‌گردد و اگر گرایش به امور معنوی افزون شود از فرشته نیز بالاتر می‌رود.

### سه بعدی بودن انسان

انسان مرکب از ماده و معنی یا از تن و روان می‌باشد، و این تقسیم به گونه‌ای صحیح و پابرجاست و در عین استواری می‌توان گفت: انسان موجودی سه بعدی و بلکه بیش‌تر است، زیرا همان بعد دوم از وجود انسانی به نام روح و روان از دو خصیصه‌ی مختلف برخوردار است و هر خصیصه را می‌توان جزئی از روان انسان نامید. این دو خصیصه عبارتند از: (الف) - عقلانی و ادراکی، (ب) - نفسانی و غریزی.

انسان دارای درک و شعور است و در پرتو قوه ادراک، معارف بزرگ الهی را درک می‌کند و رازهای نهفته طبیعت را کشف می‌کند، به همین جهت او را مجرد مُدرک «عقل» می‌نامند و در برابر این خصیصه او دارای ویژگی خاصی است که به درک و اندیشه‌ی او ارتباطی ندارد و در شرایط خاصی به یک رشته از مسائل کشیده می‌شود و

۱. جوادی آملی عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، سیره پیامبران در قرآن، ج ۶، ص ۱۴۰.

برای اموری تحریک می‌گردد که این خواسته از خواسته‌های درونی را، امور نفسانی و یا امور «فطری، غریزی» می‌نامند، بنابراین ترکیب روح انسانی از عقل و نفس که با یکی درک می‌کند و با دیگری تحریک می‌شود، برای تفهیم و سهولت در بیان است و گرنه حقیقت بالاتر از این تعبیرهاست، زیرا روح انسانی یک موجود واحد بسیطی است که ترکیبی در آن وجود دارد و تجلیات این موجود واحد در هر شرایطی به گونه‌ای است.<sup>۱</sup>

### حیات طبیعی و حیات فطری انسان

پس انسان دارای فطرتی است و طبیعتی، از آن جهت که دارای فطرت الهی است مورد ستایش قرار گرفته و از آن جهت که در بند طبیعت و تابع شهوات و غضب است ضعیف است و هلوع و ...

زانکه نیم او ز عیبستان بُد است	واندگر نیمش ز عیبستان بد است <sup>۲</sup>
غیب را ابری و آبی دیگر است	آسمان و آفتابی دیگر است <sup>۳</sup>
این جهان را راهش را پیدا بُدی	کم کسی یک لحظه آن جا بُدی <sup>۴</sup>

انسان فطرتی با پشتوانه روح الهی دارد و طبیعتی به گل وابسته دارد که همه فضایل انسانی به فطرت و همه رذایل به طبیعت او باز می‌گردد که انسان را نه تنها از پیمودن مسیر کمال باز می‌دارد، بلکه دچار انحطاط می‌کند، تا آنجا که قرآن می‌فرماید: «اولئک کالانعام بل هم اضل»<sup>۵</sup> و اگر به فطرت خود توجه کند تا جایی کمال پیدا می‌کند که به «أفق اعلیٰ و مقام آوآدنی» می‌رسد که از مقام فرشتگان برتر است. «و هُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَىٰ \* هُم دَنی فَتَدَلّی \* فَكَانَ قَابَ قَوْسینِ أَوْ أَدْنی» در حالیکه در افق اعلیٰ قرار داشت سپس نزدیکتر و نزدیکتر شد تا آنکه فاصله‌ی او به اندازه‌ی فاصله دو کمان یا کمتر بود (نجم ۷-۹).

در قرآن کریم این دو جنبه حیات (حیات طبیعی و حیات فطرت انسان) ترسیم

۱. جعفر سبحانی، منشور جاوید قرآن، ج ۴، ص ۱۹، ۲۳.

۲. جلال الدین محمد بلخی، مشهور به مولوی، مثنوی و معنوی، دفتر دوم ۳۰۳۵.

۳. همان، دفتر اول، ۲۰۳۵.

۴. همان، ۲۱۰۱.

۵. اعراف / ۱۷۶.



شده است، چنان که فرمود: «أَنْتَى خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ \* فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» من بشر را از گل آفریدم و آن‌گاه او را راست گردانیده از روح خود دراو دمیدم.<sup>۱</sup> بنابراین، انسان نخستین و نسل، مستوی الخلق، خلق شده‌اند و استوای خلقت او به روح اوست و استوای خلقت روح او به آن است که به او فطرت ارزانی شده است و او را به فجور و تقوی الهام کرده است.<sup>۲</sup>

قرآن کریم با بیان اوصاف و ویژگی‌های انسان، به دو نحوه مدح، ستایش و مذمت و نکوهش یاد کرده است، آیاتی او را خلیفه‌ی خدا بر زمین «أَنْتَى جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»<sup>۳</sup> و برخوردار از ظرفیت علمی گسترده و امانت دار خدا «أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ»<sup>۴</sup> و دارای کرامت<sup>۵</sup> و ملتهم به فجور و تقوی و واجد فطرت<sup>۶</sup> و موجودی ابدی و دیگر اوصاف پسندیده یاد می‌کند. در قرآن مقام منبع انسان به گونه‌ای بدیع که حاکی از عظمت و مقام والای اوست و او رابه شیوه خاصی که در خور هیچ مخلوقی جز او، نیست معرفی کرده است. انسان از دیدگاه قرآن متعلم و از جانب خدا «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»<sup>۷</sup> معلم فرشتگان «قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ»<sup>۸</sup> قدرتمند و مسلط بر خشکی‌ها و دریاها «وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»<sup>۹</sup> که او به بهترین وجه آفریده شده است، لقد خلقنا الانسان في أحسن تقويم،<sup>۱۰</sup> شناسانده شده است. از سوی دیگر آیاتی او را نکوهش کرده<sup>۱۱</sup> و از او

۱. ص ۷۱، ۷۲.

۲. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم (فطرت در قرآن)، ج ۱۲، ص ۲۱، ۲۳.

۳. بقره، ۳۰.

۴. احزاب، ۷۲.

۵. ولقد کرمتنا بنی آدم، اسراء، ۷۰.

۶. فطرت اله التي فطر الناس علیها، روم، ۳۰.

۷. علق، ۵.

۸. بقره/۳۳.

۹. اسراء، ۷۰.

۱۰. تین، ۴۰.

۱۱. اولئك كالانعام بل هم اضل، اعراف/۱۷۹.

به موجودی عجول<sup>۱</sup>، هلوع<sup>۲</sup>، ظلوم<sup>۳</sup>، جهول<sup>۴</sup>، کفور<sup>۵</sup>، کنود<sup>۶</sup>، و دیگر اوصاف نکوهیده تعبیر می کند.

بنابراین، در فرهنگ قرآنی هر جا سخن از نکوهش و مذمت انسان در میان است، گفتگو از انسانی است که از خاک آفریده شده است و هر جا از کرامت و بزرگی مقام انسان سخن می رود، گفتگو در مورد انسانی است که مسجود فرشتگان و جانشین خدا در روی زمین است، نکوهش به طبیعت انسان مربوط می شود و ستایش به روح و خواست او باز می گردد.<sup>۷</sup> به پاس این ابعاد مثبت و ارزش هایی که انسان در بازار خلقت و آفرینش دارد، خون، آبرو، مال و حتی مردهی او - از طرف حق تعالی - محترم شمرده شده است و این احترام، معلول انسانیت اوست، مشروط به اینکه به واسطه‌ی کفر، شرک، ظلم و ستم از ارزش خود نکاهد.<sup>۸</sup>

### هدف از خلقت انسان

بین انسان و خدا، رابطه‌ی وجودی که با شعور و آگاهی او همراه است، برقرار می باشد، انسان فطرتاً خدا طلب است، اگر او را آزاد بگذارند، دینی غیر از اسلام را نمی پذیرد و هر چه غیر از اسلام باشد، تحمیل شیطان می داند. کاروان بشری با تمام وجود در حرکت و به سوی هدفی در پیش است و آیا این سیر و حرکت بی هدف و مقصد انجام می گیرد؟ از نظر قرآن انسان و هر چه در آن است به سوی هدفی معین و مشخص گام می سپارد و هیچ چیزی بیهوده آفریده نشده است.

۱. (وكان الانسان عجولا) اسراء، ۱۴.

۲. (ان الانسان خلق هلوعا) معارج، ۱۹.

۳. (ان الانسان لظلوم كفار) ابراهیم، ۳۴.

۴. (وحملها الانسان انه كان ظلوما جهولا) احزاب/۷۲.

۵. (فلما نجاهم الى البر اعرضتم وكان الانسان كفورا) اسراء، ۶۷.

۶. (ان الانسان لربه لکنود) عادیات، ۶.

۷. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، فطرت در قرآن ج ۱۲، ص ۲۳.

۸. جعفر سبحانی، منشور جاوید قرآن، ج ۱، ص ۱۰۹.



## ۱- هدفداری خلقت

قرآن کریم هدفمندی جهان را با تأکید مطرح می‌سازد و از کسانی که جهان خلقت را بی‌هدف و باطل می‌پندارند به شدت انتقاد می‌کند: «أَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى» (روم/۸). آیا آنان با خود نمی‌اندیشیدند که خداوند آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست را جز بر اساس حق و برای مدتی معین نیافریده است. «وَبُنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» (آل عمران / ۳) این آیات می‌رساند که جهان هستی بر اساس حق آفریده شده است، هدفی را دنبال می‌کند و خلقت باطل، بیهوده و بازیچه نیست.

## ۲- دست یابی به تکامل

در دسته‌ی دیگری از آیات قرآن، هدف از خلقت، ایجاد زمینه برای رشد و تکامل انسان است و عالم هستی میدان بزرگی برای مسابقه انسان است تا تحت آزمایش و امتحان قرار گیرد. «آسمان‌ها و زمین را بر اساس حق آفرید و تا هر نفسی در مقابل کاری که انجام داده است جزا داده شود و آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند»، «الذی خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا» (ملک/۲). «خداوند کسی است که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را امتحان کند که کدامیک از شما از نظر عمل، بهترین است.»<sup>۱</sup>

## ۳- انسان خلیفه الهی

دسته‌ی سوم از آیات، هدف از آفرینش انسان را، خلافت و جانشینی خدا معرفی می‌کند. «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/۳۰) و «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خُلَافًا فِي الْأَرْضِ» (انعام/۱۶۵) «اوست خدایی که شما را جانشینان روی زمین قرارداد». منظور از جانشینی خدا این است که خداوند پرتوی از صفات خود را در درون انسان‌ها به ودیعه نهاده است که اگر این استعدادها به فعلیت برسند، انسان به والاترین مراحل کمال می‌رسد، بنا به این آیات، هدف از خلقت بالفعل شدن صفات الهی در انسان است.

## ۴- عبادت و بندگی

زندگی، عبادت و حتی مرگ یک انسان از آن خداست، بنابراین انسان باید در تمام

۱. یعقوب جعفری، تفسیر کوثر، ج ۲، ص ۳۲۸، ۳۲۹.

مراحل، بندگی خدا را کند. «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام/۱۶۲). «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» و من جنّ و انس را نیافریدم مگر آنکه مرا عبادت کنند (ذاریات/۵۶). بنابر آیات فوق، هدف از خلقت انسان، عبادت و بندگی خداست، انسان باید بندگی و عبودیت خدا نماید و جز در برابر او، در برابر هیچ کس سر فرود نیاورد. دقت در این آیه نکاتی را به انسان می‌رساند که:

۱. انسان باید عابد خدا باشد نه اینکه خدا معبود خلق شود؛

۲. عبادت هدف از خلقت جن و انسان است؛

۳. منظور از عبادت، عبادت تکوینی و فطری نیست بلکه عبادت تشریحی است.<sup>۱</sup>

بنابراین انسان برای عبادت آفریده شده است و این حصر در آیه ناظر بر این است که انسان نباید غیرخدا را پرستد و باید فقط خدا پرستیده شود اما معنایش این نیست که کمال انسان، فقط در عبادت اوست و در معرفت، ابتکار، اختراع، علم و حکمت نیست، فقط عبادت «خدا» هدف است که غیر او را پرستد.<sup>۲</sup> این هدف، غرض و غایت فعل است نه غایت فاعل چون فاعلی که هستی صرف است منزّه از آن است که غایتی بیرون از ذات خود داشته باشد، زیرا وی غنی محض است ولی آفرینش و فعل خدا هدف دارد و آن عارف شدن و عابد شدن انسان مخلوق است.<sup>۳</sup>

منظور از عبادت و بندگی، تصفیه و تزکیه‌ی درون است تا با انتخاب‌ها و گزینش‌های خویش مراحل کمال را طی کرده و به سوی کمال مطلق گام بردارد. هر انسانی که استعدادها و جود خود را در جهت وصول به خدا به فعلیت برساند، به قرب الهی نایل آمده است. قرب نیز مراتبی دارد و هر کس که در سیر به سوی خدا مسیر بیش‌تری را طی کند، قرب بیش‌تری به دست می‌آورد. هر که بر منحنی تکامل قرار گرفته و هر گام مثبتی که در سیر صعودی به سوی خدا و در جهت او بر دارد، یک قدم به او نزدیک‌تر می‌شود.

۱. عبدالله نصری، فلسفه خلقت انسان، ص ۷۵، ۷۶.

۲. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، مبادی اخلاق در قرآن، ج ۱۰ ص ۶۵.

۳. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، فطرت در قرآن، ج ۱۲، ص ۲۰.

## ۵- رحمت و مهر الهی

برخی از آیات، هدف آفرینش را رحمت می‌دانند، یعنی انسان‌ها به خاطر «رحمت» و مهر الهی آفریده شده‌اند.<sup>۱</sup> «و لو شاء رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً و لَإِيزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» \*أَلَا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ و لَذَلِكَ خَلَقَهُمْ و تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ و النَّاسِ أَجْمَعِينَ. (هود / ۱۱۸ و ۱۱۹)، و اگر پروردگارتو می‌خواست قطعاً همهٔ مردم را امت واحدی قرار می‌داد، در حالی که پیوسته در اختلافند، مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است. و وعدهٔ پروردگارت [چنین] تحقق پذیرفته است [که] البته جهنم را از جن و انس یکسره پرخواهم کرد.

در این آیات چند نکته حائز اهمیت است:

۱. رحمت عبارت است از هدایت تکوینی و تشریحی که موجب رشد و کمال انسان‌ها می‌شود. با این بیان بین آیه‌ی فوق و آیه «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» مغایرتی نیست، چرا که با عبودیت و رحمت می‌توان همه‌ی استعدادهای وجودی خود را تعالی بخشید و به کمال نهایی دست یافت.<sup>۲</sup>
۲. وحدت مظهر رحمت الهی است و خداوند انسان‌ها را از تفرقه منع کرده است. (آل عمران/۱۰۳). ۳. رحمت الهی همان هدایت الهی است که از طریق عقل و پیامبران شامل حال مردم شده است، البته انتخاب رحمت الهی اختیاری است و همه می‌توانند از آن بهره‌گیرند. از امام باقر علیه السلام روایت شده: مقصود از کسانی که مورد رحمت الهی قرار می‌گیرند آل محمد علیهم السلام و پیروان آنها هستند.

## ۶- تسبیح و تقدیس الهی

دسته‌ای دیگر، هدف را تسبیح و تقدیس خدا دانسته‌اند که تمام جهان هستی در مقابل عظمت خداوند تسلیم و او را ستایش می‌کنند. سجده و ستایش پروردگار؛ اطاعت و تسلیم در برابر اوست. حال یا طوعاً و کرهاً و یا آزادانه: «تَسْبِيحٌ لِّهُ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ و الْأَرْضِ و مَافِيهِنَّ و ان من شئ الا يسبح بحمده» (اسراء/ ۴۴)، «يسبح له ما في السموات و

۱. در این آیه (ذلک) به رحمت برمی‌گردد، نه اختلاف (بنگرید به المیزان ج ۱۱، ص ۶۵).

۲. عبدالله نصری، فلسفه خلقت انسان، ص ۷۹، ۸۰.

الارض و هو العزيز الحكيم» (حشر/۲۴)، «آنچه در آسمانها و زمین‌اند، او را تسبیح می‌گویند و او نیرومند حکیم است».

انسان به خاطر داشتن آزادی و اختیار از یک سو و آگاهی از سوی دیگر، باید خودش را با نوامیس خلقت و نظام آفرینش که بر اساس پرستش خداوند استوار است، تطبیق دهد و یا در برابر خداوند قد علم کند و راه شیطان را برود. تمام پیامبران و به خصوص پیامبر اسلام تلاش فراوان کرده‌اند، تا انسان راه اول را برگزیند و خود را با هدف آفرینش منطبق سازد. از نظر قرآن هدف از خلقت انسان، شیوه عبادت (عبودیت) خداست. «او کسی است که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان دارای عمل بهتر هستید و او عزیزی آمرزنده است». (ملک/ ۲) منظور از آفرینش نوعی پژوهش است به این معنی که انسان را به میدان عمل می‌کشد تا ورزیده، آزموده، پاک و پاکیزه شود و لایق قرب خدا گرداند.<sup>۱</sup> در این آیه مسأله آفرینش و امتحان انسان‌ها از نظر حسن عمل به عنوان یک هدف معرفی شده است.<sup>۲</sup> ملاحظه می‌شود که هدف و آزمایش، حسن عمل معرفی شده نه کثرت عمل، یعنی اسلام به کیفیت اهمیت می‌دهد نه کمیت، مهم آن است که عمل خالصانه و برای خدا مفید و جامع باشد هر چند از نظر کمیت کم باشد.<sup>۳</sup> پس هدف این آزمون بزرگ رسیدن به حسن عمل که مفهومی تکامل نعمت و اخلاص نیت و انجام هر کار خیر است، می‌باشد.<sup>۴</sup>

طبق این آیات هر انسانی که از عمل نیکوتری برخوردار باشد خود را به هدف آفرینش نزدیکتر ساخته است و در واقع این آیات هدف خلقت را نیل انسان‌ها به کمال وجودی آنان دانسته است.<sup>۵</sup>

## ۷- نشانه علم و قدرت الهی

علم و آگاهی از قدرت و علم خداوند به عنوان هدفی برای آفرینش آسمانها و

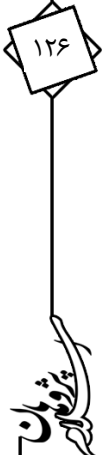
۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۱۴.

۲. همان، ج ۲۲، ص ۳۸۶.

۳. همان، ج ۲۴، ص ۳۱۵.

۴. همان، ص ۳۱۷.

۵. نصری عبدالله، فلسفه خلقت انسان، ص ۸۰.



زمین (و آنچه در آنهاست) ذکر شده است.<sup>۱</sup> «اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرَ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» خداوند کسی است که هفت آسمان را آفریده و از زمین نیز مانند آن را خلق کرده است، فرمان او در میان آنها نازل می‌شود تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و علم او به همه موجودات احاطه دارد. (طلاق/۱۲)

«لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ...» یکی از نتایج مترتب بر خلقت آسمانهای هفت گانه و زمین را ذکر می‌کند و خلقت و امر به خدای تعالی نسبت داده شده است، چون قدرت خدای تعالی شامل هر چیز و عملش محیط بر هر چیز است پس بر همه خردمندان واجب است که از مخالفت امر او بپرهیزند، سنت خدای قدیر علیم براین جاری شده است که مطیعان او امرش را، پاداش و اهل علو و استکبار را مجازات فرماید.<sup>۲</sup> آگاهی از علم و قدرت خدا برای تربیت انسان کافی است. انسان باید بداند که او بر تمام اسرار وجودی اش احاطه دارد و از همه‌ی اعمالش باخبر است و نیز وعده هایش در زمینه‌های گوناگون تخلف ناپذیر است.<sup>۳</sup>

انسان دور از علم و معرفت ممدوح و خلیفه خدای سبحان نیست، بنابراین هدفی برای آفرینش جز علم و معرفت نیست و عبادت و مانند آن نیز برای آن است که انسان در علوم الهی پیشرفت کند و چون این هدف اصلی و نهایی است خدای متعال سیره انبیاء را ساکنان به مقصد رسیده بازگو می‌کند تا مشتاقان و رهپویان به آن اقتدا و تأسی کنند.<sup>۴</sup>

## ۸- بازگشت به سوی خدا

مبدأ و مقصد انسان خداست، «أَنَا اللَّهُ وَاَنَا إِلِيهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶). آیه کلمه «إليه» را آورده است، تا برساند که هدف انسان، سیر به سوی کمال بی‌نهایت و به سوی

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۳۸۶.

۲. سید محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان (دوره ۲۰ جلدی)، ج ۱۹، ص ۶۵۸.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۱۴.

۴. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، سیره پیامبران در قرآن، ص ۸۶.



خداست «والی الله المصیر» (نور/۴۲) و (فاطر/۱۸)، در حالیکه صوفیه دچار اشتباه شده و فانی شدن در حق را، هدف می‌دانند. فرامین و دستورات قرآن همگی وسیله‌ای برای سیر به سوی خدا، رنگ خدایی پذیرفتن و از صفات الهی بهره گرفتن است. انسان می‌تواند با ایمان و خودآگاهی، از وجودی کاملتر بهره ور شده و به خدا نزدیکتر شود.<sup>۱</sup>

انسان در نهایت با خدا ملاقات می‌کند، انسان موجودی تلاشگر و هدفدار و در حال حرکت و سیر است «آیه متضمن معنای سیر است زیرا کادح الی ربک، با الی متعددی شده است».<sup>۲</sup>

شهید مطهری با طرح آیه «افحسبتم انما خلقناکم عبث و انکم الینا لاترجعون»<sup>۳</sup>

می‌گوید:

«اگر قیامت و بازگشت به خدا نباشد، خلقت عبث است، در آیات مکرر در قرآن مسأله قیامت را از یک طرف با مسأله‌ی به حق بودن و باطل نبودن خلقت و لغو و بازی نبودن خلقت توأم کرد. البته مانعی ندارد که آیه به هر دو تفسیر (مشهود باطن و معاد) اشاره داشته باشد، بدین معنا که هر دو هدف انسان باشد، چه آنکه انسان در نهایت به ملاقات رستاخیز و کیفر و پاداش عمل خود می‌رسد، چنان که ممکن است به لقای شهودی و باطنی پروردگار نایل گردد، بر اساس هر کدام از تفاسیر، از آیه ششم سوره انشقاق چنین بر می‌آید که رنج انسان وقتی تمام می‌شود که پرونده دنیا بسته شود و انسان با خدای خویش یا نتایج اعمال نیکش ملاقات کند».<sup>۴</sup>

در اینجا خطاب آیه به انسان است که در واقع همه انسان‌ها را شامل می‌شود، از کلمه‌ی «رب» نیز استفاده می‌شود که این تلاش انسان جزئی از برنامه ربوبیت و تکامل و تربیت انسان است.<sup>۵</sup>

۱. عبدالله نصری، فلسفه خلقت انسان، ص ۷۷. ۷۸.

۲. المیزان، ج ۲۰، ص ۲۴۲.

۳. همان، ص ۲۴۳.

۴. عبدالکریم بهجت‌پور و مؤلفان، ۱۴۱ تفسیر موضوعی قران کریم، ۱۴۲.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۹۹.





## ۹- معرفت الهی

علم و معرفت به خداوند یکی دیگر از اهداف خلقت آفرینش است، «الله الذی خلق سبع سموات و من الارض مثلهن یتنزل الأمر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیءٍ قدير و ان الله قد احاط بكل شیءٍ علما»، (طلاق/۱۲)، برخی از مفسران و صاحب نظران \_ امام خمینی علیه السلام و آیت الله جوادی آملی - این دیدگاه را در هدف از آفرینش انسان پذیرفته‌اند.

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

«مقصود عمده‌ی ما توجه دادن قلوب بندگان خداست به آنچه برای آن خلق شدند که آن معرفت الله است که از همه سعادات بالاتر است و هیچ چیز جز مقدمه آن نیست.<sup>۱</sup> عمده بعثت رسل و انزال کتب برای مقصد شریف معرفت الله بوده که تمام سعادات دنیوی و اخروی در سایه آن حاصل آید.»<sup>۲</sup>

آیت الله جوادی آملی با بیان مطالب متعدد درباره هدف از آفرینش، در نهایت علم و معرفت را هدف اصلی آفرینش شمرده است:

«هدف اصلی آفرینش، معرفت و محبت و عبادت خدای سبحان است و اساس همه آنها معرفت می‌باشد و معرفت نیز با هوشیاری و فرزاندگی حاصل می‌شود. لذا انبیا می‌کوشند تا هم آن دفینه‌های درونی (گنج‌های عقلی) را شکوفا و آشکار کنند و هم ره توشه بیرونی را به آنان اهدا نمایند تا آنان عارف و آگاه گردند و این مهم گاهی به صورت برهان یا موعظه است و گاهی به صورت جدال ثانوی است.»<sup>۳</sup> «این گونه تعبیرات نشانه تجلیل از مقام انسان است و هدفی برای آفرینش انسان در این بخش‌ها جز علم و معرفت نیست و سخن از عبادت و مانند آن، برای آن است که انسان در علوم الهی پیشرفت کند و این هدف اصلی و نهایی است.»<sup>۴</sup>

۱. سید روح الله موسوی خمینی علیه السلام، آداب الصلوة، ص ۱۵۵.

۲. سید روح الله موسوی خمینی علیه السلام، چهل حدیث، ص ۶۶۰، ذیل خاتمه چهل حدیث.

۳. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۹، ص ۱۴۰. ۱۴۱.

۴. همان، ج ۷، ص ۱۹۹.

## نتیجه گیری

انسان دارای درک و شعور است و در پرتو قوه ادراک، معارف بزرگ الهی را درک می‌کند و رازهای نهفته در طبیعت را کشف می‌کند، از سوی دیگر، او دارای غرایز است که با آن تحریک می‌شود. روح انسان یک موجود واحد و بسیط است و آنچه است تجلیات این موجود واحد است که در هر شرایطی به گونه‌ای است. تمام ارزشهایی که برای انسان در آیات الهی یافت می‌شود، مرهون گرایش انسان به امور معنوی و بُعد عقلانی اوست. او موجودی واجد فطرت، ملتهم به فجور و تقوی، خلیفه خدا و امانت دار او، موجودی ابدی و بالاتر از فرشته‌ها و... معرفی شده است.

جهان آفرینش بی‌هدف و عبث آفریده نشده است «اولم یتفکروا فی انفسهم ما خلق الله السموات والارض وما بینهما الا بالحق واجل مسمى» (روم/۸). آیات قرآن مبین آن است که جهان هستی و حقیقت جهان به خاطر ایجاد زمینه برای رشد و تکامل انسان است و تمامی ابتلائات انسان برای این است که بهترین آنها از نظر عمل مشخص شود. خلافت و جانشینی خدا «انی جاعل فی الارض خلیفه» (بقره/۳۰)، عبادت و بندگی خدا «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (ذاریات/۵۶)، رحمت و مهر الهی (هود/۱۱۸ و ۱۱۹)، تسبیح و تقدیس ذات اقدس الهی، بیان قدرت الهی (طلاق/۱۲)، معرفت الهی و بازگشت به سوی خدا (بقره/۱۵۶) مهم‌ترین هدف خداوند از خلقت انسان است.



## فهرست منابع

- \* **قرآن مجید**، ترجمه الهی قمشه ای، قم، نگین، ۱۳۸۲
- \* **نهج البلاغه**، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم، الهادی، ۱۳۸۳
۱. بلخی، جلال الدین محمد، مشهور به مولوی، **مثنوی و معنوی**، دفتر دوم، ۱۳۰۳.
  ۲. بندر ریگی، محمد، **المنجد** (عربی به فارسی)، ج اول، تهران، انتشارات ایران، بی تا.
  ۳. بهجت پور، عبدالکریم و دیگران، **تفسیر موضوعی قرآن**، به کوشش علیرضا کمالی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.
  ۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد، **تصنیف غرر الحکم و در الحکم**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
  ۵. جعفری، محمدتقی، **آفرینش و انسان**، بی جا، بی نا، بی تا.
  ۶. جعفری، یعقوب، **تفسیر کوثر**، قم انتشارات هجرت، ۱۳۶۳ ش.
  ۷. جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، سیره پیامبران در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۷۹ ش.
  ۸. \_\_\_\_\_، **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، مبادی اخلاق در قرآن، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۷۹ ش.
  ۹. \_\_\_\_\_، **حیات حقیقی انسان در قرآن**، ج ۱۵، قم، اسراء، ۱۳۸۲ ش.
  ۱۰. \_\_\_\_\_، **صورت و سیرت انسان در قرآن**، قم، اسراء، ۱۳۸۱ ش.
  ۱۱. حسینی، احمد، **مجمع البحرين**، تهران، انتشارات المكتبة المترضویه، بی تا.
  ۱۲. ذکریا، ابوالحسن احمد بن فارس، **معجم مقایس النعة**، بیروت، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
  ۱۳. رُخشاد، محمدحسین، **در محضر علامه طباطبائی**، قم، سماء قلم، ۱۳۸۶ ش.
  ۱۴. سبحانی، جعفر، **منشور جاوید قرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
  ۱۵. سعادت پرور، علی، **سرالاسراء** (شرح حدیث معراج)، تهران، احیاء کتاب، ۱۳۸۷ ش.
  ۱۶. طباطبائی، محمدحسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه‌ی سیدمحمدباقر موسوی همدانی، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۳ ش.
  ۱۷. عبدالباقی، محمد فؤاد، **المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم**، قاهره، مطبقة دار الکتب المصریه، ۱۳۶۴ ق.
  ۱۸. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۹ ش.
  ۱۹. قرشی، سیدمرتضی، **اسرار مؤفقییت**، قم، فرهنگ شیعه، ۱۳۷۹ ش.
  ۲۰. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ ش.

۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، **تفسیر موضوعی قرآن**، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه علمیه علی بن ابیطالب علیه السلام، بی تا.
۲۲. \_\_\_\_\_ ، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۲۳. موسوی خمینی، سید روح الله (امام خمینی علیه السلام)، **آداب الصلوة**، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۳ ش.
۲۴. \_\_\_\_\_ ، **شرح چهل حدیث**، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۶ ش.
۲۴. نصری، عبدالله، **فلسفه خلقت انسان**، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۸ ش.